

آموزش و نهادهای علمی نوین در مصر سده نوزدهم میلادی

مهران اسماعیلی^۱

(دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۰۸ - پذیرش نهایی: ۹۶/۰۵/۱۰)

چکیده

مصر جایگاه بلندی در آموزش علوم و معارف اسلامی و ادب عربی داشته و دانشمندان مسلمان مصری در پی‌ریزی اصول و مبانی آموزش اسلامی نقشی بسزا ایفا کرده‌اند. بسیاری از دانشمندان مسلمان از سرزمین‌های مختلف برای فراگیری دانش‌های دینی یا تکمیل آگاهی‌های خویش، راهی مصر می‌شده‌اند. با این همه، در سده سیزدهم/نوزدهم و در پی قدرت‌گرفتن خاندان محمدعلی پاشا (حک: ۱۲۲۰/۱۸۰۵ - ۱۲۶۵/۱۸۴۹) و کوشش برای تبدیل مصر به قدرتی منطقه‌ای، تحولاتی جدی در حوزه آموزش علوم در این سرزمین رخ داد و زمینه ورود نهادهای آموزشی و دانش‌های جدید به مصر فراهم شد و سنت‌ها و نهادهای آموزشی مصر تحت تأثیر نظام آموزش غربی قرار گرفت. این پژوهش سعی دارد، کوشش‌های مصریان را برای نوسازی نظام آموزشی این کشور در سده سیزدهم/نوزدهم، بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: محمدعلی پاشا، مصر سده سیزدهم/نوزدهم، نوسازی آموزشی، نظام آموزشی

Education and Modern Scientific Institutions in the Nineteenth Century Egypt

Mehran Esmaeili¹

(Received: 26 February 2017 - Accepted: 1 August 2017)

Abstract

Egypt had a high status in the teaching of Islamic sciences and Arabic literature and Egyptian Muslim scholars have played a key role in shaping the principles of Islamic teaching. Many Muslim scholars have come to Egypt from different lands to learn religious knowledge or to complete their knowledge. However, in the thirteenth / nineteenth century, following the uprising of the family of Mohammad Ali Pasha (re.1220-1805 /1265/1849) and the attempt to convert Egypt into regional power, serious developments in the field of science education in this land occurred and the ground for the arrival of new educational institutions and new knowledge to Egypt was prepared, and traditions and educational institutions of Egypt were influenced by the Western education system. This research tries to study Egyptian efforts to modernize their education system in the thirteenth / nineteenth century.

Keywords: Mohammad Ali Pasha, 13th century/ 19th century, educational modernization, educational system

مقدمه

در دوره محمد علی پاشا، مصر به یکی از قدرت‌های تأثیرگذار منطقه‌ای، تبدیل شد. این سرزمین که از اوایل سده دهم هجری بخشی از قلمرو عثمانی بود، پس از ضعف قدرت عثمانی‌ها، با اتکا به اقتصاد کشاورزی در امتداد رود نیل، به تدریج، به سوی حاکمیتی مستقل گام برداشت. حمله ناپلئون به مصر در ۱۷۹۸/۱۲۱۱ و کوشش‌های والی مصر، برای رویارویی با فرانسویان، موجب تقویت موقعیت وی در دربار عثمانی و نیز در میان مصریان شد و وی توانست اراده خویش را بر عثمانی‌ها تحمیل کند. شورش خاندان سعود در نجد، نیز عثمانی‌ها را قانع کرد که وجود حکومتی قدرتمند و وابسته در مصر، می‌تواند منافع آن‌ها را که درگیر جنگ با اروپایی‌ها بودند، تأمین کند. محمدعلی پاشا نیز دریافته بود که برای دستیابی به اقتدار بیشتر در منطقه، باید نیروهای نظامی خود را بر اساس شیوه‌های نظامی جدید سامان دهد. از این رو وی نیازمند یاری متخصصانی بود که او را در رسیدن به این هدف یاری کنند. در نتیجه محمدعلی پاشا، وزارت علوم را درون ساختار وزارت جنگ، طراحی کرد.

محمدعلی پاشا در مدت کوتاهی اوضاع مصر را سامان داد و قلمرو نفوذ خود را تا جزیره‌العرب و منطقه شام گسترش داد و در آغاز دهه چهارم حکومت خود، تصمیم گرفت، با ساقط کردن حکومت ضعیف شده عثمانی، جای آن را بگیرد، از این رو به قلمرو عثمانی لشکر کشید. اگر وی بر عثمانی‌ها پیروزی می‌شد، قدرت جدیدی در غرب جهان اسلام شکل می‌گرفت و منافع قدرت‌های اروپایی به‌ویژه انگلستان به خطر می‌افتاد. از این رو، انگلستان، با تکیه بر هیمنه خود، وارد عمل شد و با تحمیل شرایط سنگین، دوباره مصر را به وضع پیشین خود بازگرداند و از توان نظامی آن کاست.

در این مقاله روند نوسازی آموزشی در مصر در سده سیزدهم/نوزدهم بررسی شده است. در این دوره محمدعلی پاشا توانست سلطه دیرینه اشراف و زمین‌داران ممالیک را محدود سازد. هرچند آن‌ها همچنان از بزرگان و صاحب نفوذان مصر به شمار می‌رفتند. آموزش‌های محدودی ویژه بردگان ممالیک جهت رزم‌آوری یا تصدی مناصب اداری در این دوره در مصر وجود داشت. همچنین در مکتب‌خانه‌ها که با موقوفات و کمک‌های مردمی اداره می‌شد، کودکان خواندن و نوشتن و قرائت قرآن فرامی‌گرفتند و برخی از آن‌ها برای تکمیل آموزش‌های خود به جامع‌الازهر می‌رفتند و دانش‌هایی چون نحو، صرف، بلاغت، فقه و حدیث می‌آموختند. پیش‌تر، در الازهر دانش‌هایی چون حساب،

هندسه و نجوم هم آموزش داده می‌شد، اما در آغاز دوره محمدعلی پاشا، خبری از آموزش این علوم نبود. جامع‌الازهر تا حدود زیادی زیر نظر حکومت مرکزی اداره می‌شد و رئیس آن با نظر محمدعلی پاشا برگزیده می‌شد. از این رو جریان نوسازی نظام آموزشی، کمتر از سوی الازهر مورد مخالفت قرار می‌گرفت. از سوی دیگر محمدعلی پاشا که فردی مقتدر بود، چندین دهه بر مصر حکومت کرد و به سبب تثبیت اوضاع سیاسی در دوره وی، سیاست‌ها و برنامه‌های نوسازانه در زمینه آموزش، کمتر دستخوش نوسان و تغییر شد. به علاوه حاکمان مصر برخلاف ایرانیان در این دوره، آگاهی بیشتری درباره تحولات جهانی داشتند و ضرورت انجام تغییرات را بیشتر درک می‌کردند. خاستگاه محمدعلی پاشا و واقع شدن قلمرو وی در حاشیه جنوب شرقی مدیترانه نیز، وی را در ارتباط مستقیم با رویدادهای جهانی قرار داده بود.

آموزش، اعزام محصلان و مدارس نوین

محمدعلی پاشا که قصد داشت حکومتی قدرتمند و مستقل از عثمانی‌ها بنیان نهد درصدد ایجاد ارتشی بزرگ و مدرن برآمد. تأمین بودجه کافی برای دستیابی به این هدف، نیازمند بازسازی اقتصاد و انجام اصلاحات در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و بازرگانی بود. پیشبرد برنامه‌هایی چون فرماندهی متمرکز در یگان‌های ارتش، حضور نیروهای آشنا به تاکتیک‌های رزمی، تأمین سلاح‌های جدید، راه اندازی و نظارت بر فعالیت کارگاه‌های تولید سلاح، تجهیزات و مایحتاج ارتش، تخصص‌های گوناگون در بخش‌های زمینی و دریایی ارتش نوین، به‌کارگیری پزشکان متخصص و تجهیزات پزشکی جدید و تربیت دیپلمات‌ها و حقوق‌دان‌های کاردان برای حل دعاوی بین‌المللی مصر، نیازمند ایجاد نظام آموزشی نوینی بود. محمدعلی پاشا برای دستیابی به این هدف، دو اقدام اساسی انجام داد، یکی اعزام محصل به فرنگ و دیگری تأسیس مدارس مدرن. او قصد داشت دانش‌آموختگان مصری را پس از بازگشت از اروپا، در مدارس نوین مصر به کار گیرد و بدین ترتیب مصر را از حضور معلمان اروپایی بی‌نیاز کند (ظاهر، ۹۴). از این‌رو در دوره وی بیش از ۳۲۰ دانشجو به خارج اعزام شدند و در حوزه‌ها مختلف علمی آموزش دیدند. البته او به اعزام محصلان بومی مصر کمتر توجه داشت. رفاعه رافع طهطاوی از معدود بومیان مصری بود که در دوره وی به خارج اعزام شد. آمار دانشجویانی که در دوره محمدعلی پاشا، به خارج اعزام شدند به قرار زیر بود: در

۱۸۱۳/۱۲۲۷ عده‌ای برای فراگیری مهارت‌های چاپ و نشر کتاب به ایتالیا. در ۱۸۱۸/۱۲۳۳ چندین نفر برای فراگیری هندسه، ریاضیات، علوم طبیعی و زبان فرانسوی به فرانسه. در ۱۸۲۳/۱۲۳۸ هفتاد نفر برای یادگیری فنون دریایی، ریاضیات و مدیریت به فرانسه. در ۱۸۲۶/۱۲۴۱، چهل و سه نفر برای فراگیری مهندسی مکانیک، اسلحه‌سازی، صنعت چاپ، شیمی، پزشکی، مدیریت، امور دریایی، جراحی، کشاورزی، تاریخ، طبیعی و ترجمه به فرانسه. در ۱۸۲۹/۱۲۴۴، پنجاه نفر برای یادگیری فنون مختلف چون شمع‌سازی، بافندگی، اسلحه‌سازی، پشم‌بافی، توپ‌ریزی، ساعت‌سازی و رنگرزی به اتریش، فرانسه و انگلستان. در همین سال هیئت دریانوردی برای ترجمه قوانین دریایی به انگلستان. در ۱۸۳۲/۱۲۴۷، دوازده نفر از طلاب الازهر و فارغ‌التحصیل از مدرسه پزشکی برای ادامه تحصیلات به فرانسه. در ۱۸۴۴/۱۲۵۹، هفتاد نفر از فارغ‌التحصیلان مدرسه مهندس‌خانه، مدرسه توپخانه و مدرسه زبان برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه. در ۱۸۴۵/۱۲۶۰، هشت نفر برای فراگیری دندانپزشکی، داروسازی و تلخیص نمک به اتریش و فرانسه. در ۱۸۴۷/۱۲۶۳، تعدادی برای فراگیری پزشکی و وکالت به فرانسه و در همین سال، ۲۱ نَجَّار برای فراگیری ساخت ابزارهای کشتی‌سازی به انگلستان (عبدالکریم، *تاریخ التعليم فی مصر فی عهد محمدعلی*، ۴۲۲).

نخستین مدارس نوین که در دوره محمدعلی پاشا و برای توسعه فعالیت‌های نظامی بنا شد، زیر نظر دیوان جهادیه (وزارت جنگ) فعالیت می‌کردند (سهم، ۱۰۷). در ۱۸۱۱/۱۲۲۵م، اولین مدرسه نظامی در قلعه (ارگ) دایر گردید تا با استفاده از برخی کشیشان به عنوان آموزگار، به مملوک‌زادگان و بردگانشان، آموزش فنون نظامی، زبان ترکی، عربی و ایتالیایی آموخته شود. با پایان یافتن نبردهای ناپلئون، محمدعلی پاشا در ۱۸۱۸/۱۲۳۳ درجه‌داران فرانسوی را برای آموزش هزار تن از افسران خود به کار گرفت. نخستین مدرسه، «مدرسه أسوان» بود که در آن مستشاران ایتالیایی مأمور آموزش افسران مصری بودند. این مدرسه به سبب مشکلات مرتبط با آب و هوا، به أسنا، آخمیم و سپس نزدیکی آسیوط و در نهایت، قاهره منتقل گردید و به «مدرسه الجهادیه» معروف شد و پیش از سازمان‌دهی تعلیم و تربیت در مصر در ۱۸۳۶/۱۲۵۱ تعطیل گردید (همان، ۳۸۹). مدرسه دیگر «ارکان الحرب» (اصول جنگ) نام داشت که با مدیریت افسری فرانسوی در نزدیکی قاهره از ۱۸۲۵/۱۲۴۰ آغاز به کار کرد. «مدرسه البیاده» (پیاده نظام) از ۱۸۳۲/۱۲۴۷ فعالیت خود را آغاز کرد و علاوه بر آموزش‌های تخصصی،

زبان‌های عربی، فارسی و ترکی نیز در آن آموزش داده می‌شد. «مدرسه السواری» از ۱۸۳۱/۱۲۴۶ تأسیس گردید و علاوه بر تمرین سواره‌نظام و پرش با اسب، زبان‌های عربی و فارسی و ترکی و دروسی چون حساب و هندسه آموزش می‌داد. «مدرسه الطوبجیة» (توپخانه) به مدیریت افسری اسپانیایی در ۱۸۳۱/۱۲۴۶ بنیان نهاده شد. در این مدرسه مهارت به کارگیری توپ را برای نیروهای دریایی به زبان انگلیسی و برای نیروی زمینی به زبان‌های فرانسوی و ایتالیایی آموزش می‌دادند. «مدرسه موسیقی نظامی» در ۱۸۳۷/۱۲۵۲ تأسیس شد و بیش از دویست نفر در آن پذیرفته شدند اما در ۱۸۴۱/۱۲۵۶ تعطیل شد و شاگردانش در میان دیگر مدارس نظامی، تقسیم شدند. در «مدرسه دریانوردی» نیز محصلان، هدایت کشتی و دیگر دروس و فنون دریایی را می‌آموختند (میتشل، ۷۲، ۱۱۷).

علاوه بر مدارس نظامی، مدارس نیز برای آموزش بهداشت و درمان ایجاد شد. نخستین مدرسه پزشکی با استفاده از استادان خارجی، از ۱۸۲۷/۱۲۴۲ فعالیت خود را آغاز کرد. فیزیولوژی، بهداشت عمومی و خصوصی و نظامی، سموم و معاینه از جمله مواد درسی این مدرسه بود. حدود سیصد نفر از فارغ‌التحصیلان این مدرسه در خدمت ارتش، نیروی دریایی و مردم مصر قرار گرفتند. «مدرسه مارستان» که گویا مدرسه پرستاری بوده، زمینه تحصیل دانش‌آموزان را در مدرسه پزشکی فراهم می‌آورد ولی در ۱۸۳۶/۱۲۵۱ تعطیل شد. «مدرسه داروسازی» در ۱۸۳۰/۱۲۴۵ تأسیس شد. «مدرسه زنان و زایمان» در ۱۸۳۲/۱۲۴۷ تأسیس شد و ده نفر از سیاه‌پوستان جوان در آن درس می‌خواندند. «مدرسه دامپزشکی» در ۱۸۲۹/۱۲۴۴ در شهر رشید تأسیس شد. متخصصان این مدرسه برای نوسازی اسطبل‌ها، اقداماتی انجام دادند (شحاده، ۴۹-۱۵۲).

مدارسی نیز برای تربیت کادر اداری و دیوانی تأسیس شد. از جمله «مدرسه حسابداری» در ۱۸۳۷/۱۲۵۲ به منظور تأمین کادر اداری در ارتش تأسیس شد، اما یک سال بعد تعطیل گردید. «مدرسه مدیریت» هم برای تأمین نیروی دیوانی در ۱۸۳۴/۱۲۴۹ تأسیس شد، اما دو سال بعد منحل گردید.

«مدرسه آلسن» یا زبان‌های خارجی به منظور آموزش مترجمانی که بتوانند متون درسی مورد نیاز مدارس را ترجمه کنند، تأسیس شد. تعداد دانش‌آموختگان آن حدود ۱۵۰ نفر بود که علاوه بر فرانسوی، عربی و ترکی، حساب و جغرافیا نیز می‌خواندند. نیروهای آموزش دیده پس از فراغت از تحصیل به عضویت «قلم ترجمه» درمی‌آمدند و

در گروه‌های مختلف به ترجمه متون خارجی در موضوع‌هایی چون ریاضیات، علوم طبیعی، پزشکی، ادبیات، تاریخ، جغرافیا و داستان می‌پرداختند.

«مدرسه کشاورزی» در ۱۸۳۳/۱۲۴۸ به منظور آموزش فنون و تجارب کشاورزی و برای بهبود وضع کشاورزی، تأسیس شد که در آن زبان فارسی نیز آموزش داده می‌شد. در کنار مدرسه کشاورزی، نخستین کارگاه صنایع لبنی نیز به راه افتاد (عبدالکریم، *تاریخ التعليم فی مصر فی عهد محمدعلی*، ۳۴۸). «مدرسه مهندس‌خانه» در ۱۸۳۴/۱۲۴۹ تأسیس گردید و هدف از آن، آموزش نیروی متخصص برای صنایع تهیه باروت، تأمین نمک و نیز تربیت آموزگاران ریاضیات و طبیعیات، افسران توپخانه‌های دریایی و زمینی و مهندسان شهری بود. این مدرسه ۲۰ سال بعد تعطیل شد. «مدرسه شیمی» در ۱۸۳۰/۱۲۴۵ و «مدرسه معدن» و «مدرسه عملیات» یا فنی و حرفه‌ای (خراطی، آهنگری، نجاری) مدارس دیگری بودند که در دوره محمدعلی پاشا فعالیت خود را آغاز کردند (همان‌جا). این مدارس، زیر نظر دولت اداره می‌شدند و بودجه خاصی بدان‌ها اختصاص یافته بود و آموزش در آن‌ها رایگان بود. بنا بر فرمان محمدعلی پاشا در ۱۸۳۶/۱۲۵۱، برای سازمان‌دهی مدارس، شورایی تشکیل شد که مصوبات آن، نخستین آئین‌نامه‌های آموزشی در مصر به‌شمار می‌رود. او در ۱۸۳۷/۱۲۵۲ دیوان مدارس را بنیان نهاد تا برای تمامی مدارس، کتابخانه‌ها، چاپخانه بولاق و روزنامه رسمی *الوقایع المصریة* برنامه ریزی کند (*وزارة التربية و التعليم*، ۸/۴-۹).

مدارسی نیز با نام «ابتدایی» و «ثانویه»^۱ تأسیس گردید. در ۱۸۳۷/۱۲۵۲ در شهرهای بزرگ مصر، پنجاه مدرسه ابتدایی، فعال بودند. از مدارسی که به توسط خارجیان در این دوره تأسیس شد، می‌توان به مدرسه دخترانه «راهبه‌های راعی الصالح»^۲ در ۱۸۴۶/۱۲۶۲ اشاره کرد. پس از معاهده لندن در ۱۸۴۰/۱۲۵۵ که دست مصر از مناطق شام و عربستان کوتاه شد و دولت‌های خارجی محدودیت‌های زیادی بر محمدعلی پاشا اعمال کردند و ارتش او را به هجده هزار نفر تقلیل دادند، روند آموزش، سیر نزولی پیدا کرد تا آن که در ۱۸۴۸/۱۲۶۴، عباس پاشا والی مصر گردید (مبارک، ۱/۷۶).

عباس پاشا (حک : ۱۸۴۵-۱۸۴۸) نسبت به اقدامات آموزشی محمدعلی پاشا،

۱. ثانویه یا متوسطه همان دبیرستان است و در نظام آموزشی میان دو مرحله ابتدایی و عالی (دانشگاه) قرار دارد.

۲. (شبان خوب) Good Shepherd.

بدگمان بود وی اداره مدارس نظامی را از «دیوان مدارس» خارج و به «دیوان جهادیه» منضم کرد. سپس مدارس زیادی را تعطیل و بسیاری از فرهیختگان را تبعید و فعالیت‌های آن‌ها را محدود کرد. وی پس از شش سال «دیوان مدارس» را نیز لغو کرد (سهم، ۱۲۶). در دوره سعید پاشا (حک: ۱۸۵۴-۱۸۶۳) اوضاع اندکی بهبود یافت، ولی مدرسی که او دوباره راه اندازی کرد، دوام چندانی نیافت (عبدالکریم، تاریخ‌التعلیم فی مصر من نهاییه حکم محمدعلی الی بدایه حکم توفیق، ۱/ ۱۲۲).

از ۱۸۶۳/۱۲۷۹ و در دوره خدیو اسماعیل، راه‌اندازی مدارس سیر صعودی گرفت. مدارس البیاده در ۱۸۶۴/۱۲۸۰ و السواری، الطوبجیة و ارکان حرب در ۱۸۶۵/۱۲۸۱ بازگشایی شدند (همان، ۶۷۰/۲) اما خدیو اسماعیل بر خلاف محمدعلی پاشا، به توسعه نظامی توجه کمتری داشت و بیشتر به توسعه عمرانی و آموزش عمومی می‌اندیشید. از این‌رو وزارت «دیوان معارف» را ایجاد کرد و برای ارتقای مکتب‌خانه‌ها به مدارس ابتدایی در ۱۸۶۸/۱۲۸۴ فرمانی صادر کرد. او همچنین در ۱۸۶۵/۱۲۸۱ مدرسه دامپزشکی و در ۱۸۶۷/۱۲۸۳ مدرسه کشاورزی و در ۱۸۶۸/۱۲۸۴ مدرسه علمیات را و برای نخستین بار «مدرسه تلگراف» را در مصر راه‌اندازی کرد (شنوده، ۱۵۰). وی با اتکا به تجربه‌هایی که در اروپا کسب کرده بود، اقدام به تأسیس مدارس عالی و انجمن‌های علمی کرد. نخستین مدرسه دخترانه ویژه مسلمانان، در دوره او تأسیس شد و مدارس خصوصی دیگری نیز اجازه فعالیت یافتند (متولی، ۷۵). سیاست‌های آموزشی دوره خدیو اسماعیل به طبقات، اقوام، گروه‌ها یا پیروان ادیان خاصی محدود نمی‌شد و با سیاست محمدعلی پاشا که کمتر از مصریان عرب و طبقات ضعیف جامعه حمایت می‌کرد، تفاوتی قابل ملاحظه داشت (ایوبی، ۲۳۲/۱). به‌جز الازهر، سه نوع نظام آموزشی یعنی مدارس دولتی، مدارس اقلیت‌های دینی مصر و مدارس خارجی، در دوره خدیو اسماعیل فعال بود.

در نخستین مدرسه‌های تأسیس شده در زمان خدیو اسماعیل، یعنی «مدرسه رأس التین» در اسکندریه و «مدرسه ناصریه» در قاهره، زبان‌های عربی فرانسه، انگلیسی، آلمانی و حساب مقدماتی و پیشرفته، جغرافیا و رسم الخط آموزش داده می‌شد. در ۱۸۶۵/۱۲۸۱ چهار مدرسه دیگر در مناطق مختلف تأسیس گردید که مجموعاً ۶۳۱ دانش‌آموز در آن‌ها درس می‌خواندند. در ۱۸۶۵/۱۲۸۱ «مدرسه صنایع و فنون» تأسیس شد که در آن علاوه بر صنایع و فنون مختلف، دروسی چون ریاضی، شیمی، هندسه و زبان‌هایی فرانسوی و انگلیسی، آموزش داده می‌شد. در ۱۸۷۶/۱۲۹۲ سه مدرسه صنعتی دیگر تأسیس گردید تا

دانش‌آموزان از آغاز، وارد آن شوند و پس از فارغ‌التحصیلی حرفه یا صنعت خاصی را فراگیرند. پس از آن مدرسه مهندس‌خانه یا پلی‌تکنیک، بازگشایی شد.

خدیو اسماعیل که دریافته بود، فعالیت پراکنده این مدارس مناسب نیست، از علی مبارک، وزیر تعلیم و تربیت در دوره سعید پاشا، خواست تا برای نظام آموزشی، لایحه‌ای تهیه کند. این لایحه که از چهل ماده تشکیل شده بود، مدارس را در مصر به ابتدایی، متوسطه و عالی تقسیم می‌کرد. هم چنین مقرر شد مکتب‌خانه‌ها با افزودن دروس حساب، جغرافیا و زبان خارجی به مدارس ابتدایی ارتقا یابند. مدارس ابتدایی زیادی تأسیس شدند که قرآن، عربی، فرانسه یا انگلیسی، حساب، تاریخ، هندسه و نقاشی آموزش می‌دادند. هم زمان با این اقدام، هفت دبیرستان و نه مدرسه عالی نیز فعالیت خود را آغاز کردند. از میان مدارس عالی، مدرسه پلی‌تکنیک و مدرسه پزشکی، مشهورتر بودند. خدیو اسماعیل همچنین متخصصی خارجی را برای بهبود نظام آموزشی به استخدام درآورد (ایوبی، ۱/ ۱۹۲؛ فقی، ۸۹). او همچنین جمعی از نخبگان مدارس را، برای تکمیل تحصیلات به خارج اعزام کرد. از جمله ۱۲۰ دانشجو به مدرسه طب و مدرسه نظامی در پاریس، پنجاه دانشجو به مدرسه نظامی تورین ایتالیا و سه دانشجو به مدرسه مهندسی در لندن اعزام شدند (ایوبی، ۱/ ۲۲۸؛ فقی، ۹۹). در نتیجه اقدامات خدیو اسماعیل، شمار مردان تحصیل کرده در مصر به حدود ۴٪ رسید، در حالی که در پیشرفته‌ترین کشورهای اروپایی آن زمان ۱۵٪ مردان سواد داشتند و این میزان در روسیه ۲٪ بود (ایوبی، ۱/ ۲۱۳-۲۳۰).

در دوره خدیو اسماعیل، اقلیت قبطی‌های ارتدکس، حدود شانزده مدرسه داشتند که دوازده باب آن در قاهره بود. تعداد دانش‌آموزان این مدارس در ۱۸۷۶/۱۲۹۲ حدود هزار نفر بود (همان، ۱/ ۲۱۲). قبطی‌های کاتولیک نیز مدارس متعددی با حدود سیصد دانش‌آموز داشتند که به صورت مختلط اداره می‌شدند. در یکی از مدارس یونانیان ارتدکس ۵۷۰ پسر و ۳۴۲ دختر تحصیل می‌کردند. یونانیان کاتولیک و ارمنیان و یهودیان نیز از دیگر اقلیت‌های مصر بودند که مدارس را تأسیس کرده بودند (همان، ۱/ ۲۱۳).

غالب مدارس خارجی در مصر صبغه دینی داشت و هر چند برخی از دوره محمدعلی پاشا فعالیت خود را از آغاز کرده بودند، اما رونق این مدارس در دوره خدیو اسماعیل بود. تعداد آن‌ها در دوره خدیو اسماعیل بالغ بر هفتاد مدرسه بود (همان، ۳/ ۲۰). مدارس دینی خارجی غالباً به دو دسته کاتولیک و پروتستان تقسیم می‌شد.

یکی از مدارس کاتولیک در این دوره مدرسه راهبه‌های «راعی الصالح» بود. این فرقه برای تحت پوشش قرار دادن دختران و زنان جوان بی‌سرپرست، در ۱۸۳۵/۱۲۶۹ در فرانسه به‌عنوان تشکیلاتی کاتولیک بنیان نهاده شد. محمدعلی پاشا به آن‌ها عنایت داشت و در مصر توانستند از ۱۸۴۶/۱۲۶۲ تا ۱۹۰۰/۱۳۱۷ به فعالیت خود ادامه دهند (همان، ۲۱۹/۱). آن‌ها در مدارس خود در قاهره و اسکندریه، تعدادی از دختران از جمله شصت دختر یتیم را زیر پوشش داشتند و رایگان در میان مردم، دارو توزیع می‌کردند، اما خود توان مالی زیادی نداشتند. آن‌ها از سعیدپاشا درخواست کمک کردند و او نیز مقررری سالیانه مواد غذایی، برای دانش‌آموزان تعیین کرد و ۵۰۰۰ فرانک برای ادامه روند توزیع دارو به آنان پرداخت کرد (همان، ۱۸۴/۱). مدرسه کاتولیک دیگر مدرسه «آبای سرزمین مقدس» بود که تعدد دانش‌آموزان آن در دوره خدیو اسماعیل به بیش از پنج‌هزار نفر می‌رسید که حدود ۸۵٪ دانش‌آموزان آن دختر بودند (همان، ۲۱۸/۱). همچنین می‌توان به مدرسه فرقه عازاریان اشاره کرد که سعید پاشا در ۱۸۵۹/۱۲۷۵ قطعه زمینی به آنان را واگذار کرد. دانش‌آموزان مدرسه عازاریان فقط از کاتولیک‌ها بودند. این مدرسه در دوره خدیو اسماعیل ششصد دانش‌آموز داشت (همان‌جا). مدرسه «راهبه‌های فرانسیسکن» از دیگر مدارس کاتولیک بود که در ۱۳۷، ۱۸۵۹/۱۲۷۵ دانش‌آموز دختر داشت.

مدارس پروتستان در مصر غالباً از طرف آمریکا، انگلستان و اسکاتلند تاسیس و حمایت می‌شدند. در ۱۸۵۵/۱۲۷۱ سعید پاشا، قطعه زمینی به هیئتی آمریکایی واگذار کرد. فعالیت این گروه در سال‌های بعد افزایش یافت، به گونه‌ای که تا ۱۲۷۱، ۸۷۶، ۲۸ مدرسه در نقاط مختلف مصر دایر کردند (همان، ۱۸۴/۱، ۲۲۱) و ۱۲۴۴ دانش‌آموز دختر و پسر را به صورت رایگان آموزش می‌دادند که غالباً قبطی بودند و دانش‌آموز مسلمان در میان آن‌ها کمتر دیده می‌شد (همان، ۱/ ۲۲۱). هیئت انگلیسی نخستین بار در ۱۸۶۲/۱۲۷۸ و به مدیریت زنی به‌نام واتلی به مصر آمد. واتلی برای آموزش دختران کوشش زیادی کرد و در دوره خدیو اسماعیل حدود ۱۶۰ دانش‌آموز دختر داشت که بیشتر آن‌ها از خانواده‌های کشاورزان بودند (همان، ۲۲۲/۱). هیئت اسکاتلندی هم تنها در بندر اسکندریه فعال بود و آموزش‌هایش برای فقرا رایگان بود (همان، ۲۲۳/۱). علاوه بر مدارس دینی خارجی، ایتالیا مدرسه‌ای غیر دینی در مصر دایر کرد. زمین آن را سعید پاشا در یکی از بهترین مناطق بندر اسکندریه همراه با ۲۴۰۰ لیره مصری به آن‌ها هدیه داد (همان، ۱۸۴/۱).

انگلیسی‌ها از ۱۸۸۲/۱۲۹۹ که مصر را مستعمره خود ساختند، تمایل چندانی به گسترش فعالیت‌های آموزشی نداشتند، چرا که آن‌ها به متخصصان و صاحبان حرفه‌ها، نیازی نداشتند و کافی بود که تنی چند از کارمندان خود را، از میان مصریان انتخاب کنند و مهارت‌های ساده اداری این کارمندان نیز، با آموزش‌های دوره ابتدایی و برخی مواد آموزشی دوره متوسطه تأمین می‌شد. آن‌ها، سیاست‌هایی را دنبال کردند تا بر اساس آن آموزش رایگان به مرور برچیده شود، به گونه‌ای که در ۱۹۰۴/۱۳۲۱ با آموزش صنعتی، فنی و مهندسی بی‌مهری شد و زبان انگلیسی جایگزین زبان فرانسه و عربی گردید (فقی، ۱۱۶-۱۲۱).

آموزش زنان

در دوره محمدعلی پاشا و در ۱۸۳۵/۱۲۶۸، همسر مبشری انگلیسی به‌نام لیدر، نخستین مدرسه اختصاصی زنان را تأسیس کرد که زنان خاندان سلطنتی و بزرگان و اشراف در آن تحصیل می‌کردند (ایوبی، ۲۰۴ / ۱). در مرحله بعد به‌سبب عدم همراهی جو عمومی جامعه، محمدعلی پاشا ده تن از کنیزان حبشی را به مدرسه زنان و زایمان فرستاد تا آموزش ببینند. این گروه پس از فارغ‌التحصیلی در همه مناطق مصر به طبابت پرداختند تا این‌که در دوره خدیو اسماعیل و در ۱۸۷۳/۱۲۸۹، سومین همسر وی تشریفاتی خانم، اولین مدرسه ویژه دختران مسلمان را به‌نام «مدرسه السیوفیه» تأسیس کرد که تحصیل در آن رایگان بود و به‌رغم آن که هیچ محدودیتی برای ورود به آن وجود نداشت، تنها دختران خانواده‌های طبقات بالای جامعه از این مدرسه استقبال کردند. این مدرسه، نخستین مدرسه از نوع خود در جهان اسلام بود. این مدرسه در دوره دوم پذیرش دانش‌آموز، با اقبال گسترده‌ای مواجه شد، به‌گونه‌ای که مدرسه‌ای دیگر نیز بدان ضمیمه گردید. دوره آموزش در این مدرسه، پنج سال بود و خواندن و نوشتن، زبان عربی، حساب، نقاشی، جغرافی، موسیقی، آشپزی، شست‌وشو، اداره منزل، زبان‌های ترکی و فرانسوی و قرآن به دختران مسلمان آموخته می‌شد (همان، ۲۰۸ / ۱). از زمانی که خدیو اسماعیل بردگی را لغو کرد، حضور زنان خدمتکار در منازل ضروری شده بود، از این‌رو وی مدرسه‌ای نیز برای آموزش خدمتکاری افتتاح کرد، اما بحران مالی اواخر دوره خدیو اسماعیل موجب رکود و تعطیلی این مدرسه شد. در این دوره، اقلیت‌های مذهبی و مدارس خارجی، بیشترین فعالیت را برای آموزش دختران داشتند (همان، ۲۱۵/۱-۲۱۸). خدیو اسماعیل به دخترانی که در مدرسه «آبای سرزمین مقدس» آموزش می‌دیدند،

موجب غیر نقدی می‌پرداخت (همان، ۲۱۷/۱). این کمک‌ها در دوره سعید پاشا نیز وجود داشت و این دو از آموزش طبقات فقیر و نیز آموزش زنان حمایت می‌کردند.

ترجمه

در آغاز سده سیزدهم/نوزدهم، محمدعلی پاشا کوشید با تکیه بر مهاجران، مسافران و مشاوران غربی، عقب‌افتادگی علمی و ناتوانی شرق را برطرف کند، اما این راه حل چندان دوامی نیافت و از آنجا که دریافته بود آنچه بدان نیاز دارد، در متون خارجی مدون شده است، زمینه ترجمه متون خارجی را فراهم آورد. عامل دیگری که او را به سمت ترجمه سوق داد، تأمین مواد آموزشی و کتاب‌های درسی، برای مدارس تأسیس شده بود. از طرف دیگر خود او تا چهل سالگی خواندن و نوشتن نمی‌دانست و شوق زیادی برای شناخت تاریخ و حوادث کشورهای پیشرفته داشت (شکری، ۶۸۷).

هرچند در آغاز، ایتالیا نظر محمدعلی پاشا را به خود جلب کرده بود، اما از سال‌های سی به بعد، فرانسه در کانون توجه او قرار گرفت. در سال‌های نخستین حکومت، آموزگاران ریاضی، زبان، علوم و فنون، همگی ایتالیایی بودند و در مدارس نظامی مصر، تنها زبان ایتالیایی آموزش داده می‌شد. علاوه بر این محمدعلی پاشا در نخستین اعزام، محصلان را به ایتالیا فرستاد (عبدالکریم، *تاریخ التعليم فی مصر فی عهد محمدعلی*، ۲۵۹)، اما کتاب‌های برگردانده شده از ایتالیایی بسیار کم‌شمار بودند (نصیر، ۲۴۵). در سال‌های بیست مجموعاً ۲۱ کتاب ترجمه شد که سیزده عنوان آن، از فرانسوی ترجمه شده بود. محمدعلی پاشا از دانشجویان اعزامی به فرانسه خواسته بود که نه تنها در رشته خود، بلکه در زمینه‌های دیگر نیز ترجمه کنند (شکری، ۱۱۰). او دانشجویان بازگشته از فرنگ را مدتی در ارگ حکومتی خود در حصر نگاه داشت تا کتابی را که به هر یک از آنها داده شده بود، ترجمه کنند. در موارد دیگری ترجمه کتاب، شرط استخدام فارغ‌التحصیلان بود (تاجر، ۲۸).

از سال‌های سی به بعد مدارس زیادی تأسیس شد که در آنها زبان‌های گوناگون آموخته می‌شد. گویا بخشی از متون مورد نیاز هر مدرسه را نخستین تحصیل‌کردگان همان مدرسه ترجمه می‌کردند، اما چون این روند با موفقیت همراه نبود، آموزش زبان‌های خارجی در مدرسه اَلْسُن (زبان‌های خارجه) متمرکز گردید که از ۱۸۳۴/۱۲۴۹ تا ۱۸۴۶/۱۲۶۲، هفتاد نویسنده و مترجم از آن فارغ‌التحصیل شدند (نصیر، ۳۰۸). به منظور آن که بیشترین بهره‌برداری از تحصیل‌کردگان بازگشته از فرنگ فراهم آید،

انجمنی به نام «قلم ترجمه» زیر نظر رفاعه طهطاوی تأسیس شد که گروه‌های تخصصی زیادی در آن مشغول ترجمه بودند.

در دوره عباس پاشا به ترجمه نیز همچون آموزش، بی‌مهری شد و مدرسه زبان‌های خارجی پس از پانزده سال فعالیت و نیز انجمن «قلم ترجمه» تعطیل شدند (سامی، ۳/ ۸۳). در زمان سعید پاشا به همت رفاعه طهطاوی مجدداً انجمن قلم ترجمه بازگشایی شد و در ۱۸۵۶/۱۲۷۲ مدرسه‌ای به سبک جدید افتتاح گردید که شاگردان آن علاوه بر زبان عربی می‌باید یکی از زبان‌های شرقی (ترکی یا فارسی) و یکی از زبان‌های غربی (انگلیسی یا فرانسه و یا آلمانی) را بیاموزند (عمار، ۹۶). در این دوره، سعید پاشا دستور داد دعاوی را در دادگاه‌ها به زبان عربی ارائه کنند (نصیر، ۲۵۹). بر این اساس، در سال‌های چهل، ۱۳۸ کتاب و در سال‌های پنجاه، ۷۴ کتاب ترجمه شد.

در دوره خدیو اسماعیل، مدرسه دیگری به نام قلم ترجمه تأسیس شد. هدف وی آن بود که قضات مصری با قوانین خارجی آشنا شده و در داوری‌های بین‌المللی از آن بهره برند (شیال، ۲۳). دومین عامل در افزایش توجه به ترجمه این بود که بر اساس حکم خدیو اسماعیل در ۱۸۶۹/۱۲۸۵ عربی، زبان رسمی مصر شد (سامی، ۳/ ۸۴۷) و مقرر شد کلیه لوایح، قوانین و مقرراتی که به زبان ترکی (زبان رسمی عثمانی) است به عربی برگردانده و منتشر شوند، از این‌رو روند ترجمه به زبان ترکی و دیگر زبان‌ها سیر نزولی گرفت. در سال‌های شصت، ۹۶ عنوان کتاب و در دهه هفتاد، ۹۵ عنوان کتاب ترجمه گردید در حالی که با توجه به گسترش صنعت چاپ و افزایش شمار مترجمان، ترجمه‌های بیشتری مورد انتظار بود. احتمالاً خدیو اسماعیل که از جوانی برای تحصیل به اروپا رفته بود و مدت نسبتاً طولانی در آنجا سکونت داشت، به اندازه محمدعلی پاشا به ترجمه علاقه نداشت و به مدارس قلم ترجمه بی‌توجه بود (عبدالکریم، *تاریخ‌التعلیم فی مصر من نهاییه حکم محمدعلی الی بدایه توفیق*، ۲/ ۱۴۷). در مقابل، او به آموزش زنان و نیز مدارس خارجی‌ان در مصر بهای زیادی داد.

پس از اشغال مصر از سوی انگلستان در ۱۸۸۲/۱۲۹۹، روند ترجمه به‌سبب افزایش شمار خارجی‌ان در این دوره و پذیرش مناصب دولتی از سوی آنان، همچنان ادامه یافت (دسوقی، ۱/ ۱۳۴) و به‌این‌ترتیب در سال‌های هشتاد، ۱۱۰ و در سال‌های نود، ۱۹۱ کتاب به عربی برگردانده شد. آمار آثار ترجمه شده در این دوره به‌طور کلی چنین بود: ۴۴۵ کتاب از فرانسه (معادل ۵۹/۵۵٪)، ۱۶۷ کتاب از انگلیسی (معادل ۲۰/۷۷٪) یازده

کتاب از ایتالیایی (معادل ۱۰/۳۷٪) و پنج کتاب از آلمانی (معادل ۶/۲٪). از این تعداد، ۶۶۷ کتاب به عربی (معادل ۸۴٪) و ۱۱۳ کتاب (معادل ۱۴٪) به ترکی ترجمه شد. از مجموع کتاب‌های ترجمه شده، ۴۶٪ درسی، ۳۱/۸٪ ویژه بزرگسالان، ۱۱/۴٪ اداری، ۷/۶٪ نظامی و تعدادی هم کتاب‌های ویژه کودکان بود. ۹۰٪ کتاب‌های منتشر شده در نیمه اول قرن، توسط ناشر دولتی منتشر شد، در حالی که در نیمه دوم، ۵۹٪ کتاب‌ها را ناشر دولتی منتشر کرد (نصیر، ۵۱۲-۵۱۵). ۷۰٪ ترجمه‌ها در دوره محمدعلی پاشا، در جهت نوسازی نظامی مصر بود و چون در مدارس، دانش‌هایی چون حساب، جغرافیا و تاریخ نیز آموزش داده می‌شد، ترجمه در این حوزه‌ها هم مورد توجه بود. میزان منابع ترجمه شده در سده سیزدهم/نوزدهم نسبت به کل آثار چاپ شده، ۷/۷۳٪ یا ۸۰۴ عنوان، از مجموع ۱۰۴۰۵ عنوان کتاب بود.

نشریات

روزنامه‌ها و نشریات مصر سده سیزدهم/نوزدهم را می‌توان در سه دوره بررسی کرد: دوره سه‌ساله حضور فرانسویان، دوره حکومت محمدعلی پاشا، عباس پاشا و سعید پاشا از ۱۸۰۱/۱۲۱۵ تا ۱۸۶۳/۱۲۷۹ و دوره سوم از ۱۸۶۳/۱۲۷۹ تا پایان سده سیزدهم/نوزدهم یعنی دوره حکومت خدیو اسماعیل، توفیق پاشا و حلمی پاشا. در جریان حمله ناپلئون به مصر، فرانسویان سه چاپخانه کوچک و قابل انتقال با حروف عربی، یونانی و فرانسوی به قاهره آوردند و همه آثار در این دوره به توسط همین چاپخانه‌ها چاپ شد. نخستین نشریات مصر در دوره جدید عبارت بودند از:

نشریه فرانسوی‌زبان «نامه مصر»^۱ که ۱۱۶ شماره از آن به چاپ رسید (ابولیل، ۲۹-۸۲). نشریه فرانسوی‌زبان «دهه مصر»^۲ که یک دهه‌نامه بود و همانند نشریه پیشین به دستور ناپلئون منتشر شد. موضوع این نشریه برخلاف نشریه پیشین سیاسی - نظامی نبود و دستاوردهای علمی دانشمندان فرانسوی را در مصر منتشر می‌کرد (همان، ۸۳-۱۲۳؛ عبده، ۸۱).

در دوره دوم که دوره استقرار و قدرت‌یابی خاندان محمدعلی پاشا بود، نشریات دولتی زیادی منتشر شدند، از جمله *الوقائع المصریه* که از نخستین مطبوعات رسمی بود که از ۱۸۲۸/۱۲۴۳ به زبان‌های ترکی عثمانی و عربی، منتشر می‌شد. این نشریه از ۱۸۴۲/۱۲۵۷ تا ۱۸۷۳/۱۲۸۹ زیر نظر رفاعه طهطاوی اداره می‌شد و از ۱۸۸۰/۱۲۹۷ تا

1. Courrier de l'Égypte
2. La Décade égyptienne

۱۸۸۲/۱۲۹۹ محمد عبده سردبیر آن بود. محمدعلی پاشا در برابر نشریه فرانسوی زبان «روزنامه عثمانی»^۱ که در استانبول منتشر می‌شد و سیاست‌های و برنامه‌های وی را زیر سؤال می‌برد، از ۱۸۳۳/۱۲۴۸ نشریه فرانسوی زبان «روزنامه مصر»^۲ را منتشر کرد تا از سیاست‌ها و اقدامات خود در سطح بین‌الملل دفاع کند (ابولیل، ۱۳۱-۱۳۸).

در دوره خدیو اسماعیل، نشریات و مطبوعات، وضع مناسبی داشتند. وی در آئین‌نامه‌ای در ۱۸۶۵/۱۲۸۱ مقرراتی برای مطبوعات وضع کرد. از این رو نشریات زیادی در این دوره تأسیس شد که مهم‌ترین آن، به شرح زیر است:

وادی النیل زیر نظر عبدالله ابو سعود از ۱۸۶۶/۱۲۸۲، *نزهة الافکار* زیر نظر ابراهیم مویلحی و عثمان جلان از ۱۸۶۹/۱۲۸۵، *مصباح الشرق* زیر نظر ابراهیم مویلحی از ۱۸۷۰/۱۲۸۶، *روضة المدارس* زیر نظر رفاعة طهطاوی از ۱۲۸۶/۱۸۷۰ در زمینه آموزش، *الکوکب الشرقی* از ۱۸۷۳/۱۲۸۹، *الاهرام* زیر نظر بشاره تقلا و سلیم تقلا از ۱۸۷۶/۱۲۹۲، *المقتطف* زیر نظر یعقوب صروف و فارس نمر که در ۱۸۷۶/۱۲۹۲ از لبنان به مصر منتقل شد و تا ۱۹۵۳/۱۳۷۲ به فعالیت خود ادامه داد، مصر زیر نظر ادیب اسحق از ۱۸۷۷/۱۲۹۳، *الوطن* زیر نظر قطبی از ۱۸۷۸م، «نشریه طنز ابوالنضاره» زیر نظر یعقوب صنوع از ۱۸۷۸، «اتحاد المصری» از ۱۸۷۹، «المحروسة» از ۱۸۸۰/۱۲۹۷، *التنکیت و التبکیت* زیر نظر عبدالله الندیم از ۱۸۸۱/۱۲۹۸، *مصرالفتاة* متعلق به انجمن مصرالفتاة از ۱۸۸۲/۱۲۹۹، *الزمان* از ۱۸۸۳/۱۳۰۰، *الاعلام* از ۱۸۸۴/۱۳۰۱، *الطائف* ویژه ماسونیان و متعلق به شاهین مکاریوس از ۱۸۸۶/۱۳۰۳، *المقطم* زیر نظر یعقوب صروف، فارس نمر و شاهین مکاریوس از ۱۸۸۹/۱۳۰۶، *المهندس* از ۱۸۹۳/۱۳۱۰، *الفتاة* نخستین نشریه ویژه زنان زیر نظر هندنوفل از ۱۸۹۲/۱۳۰۹، *الاسلام* زیر نظر احمد شاذلی ازهری (۱۸۹۴-۱۹۱۲)، *الجامعه* زیر نظر فرح أنطون (۱۸۹۷-۱۹۰۴)، *الهلال* زیر نظر جرجی زیدان از ۱۸۹۷/۱۳۱۴، *المنار* زیر نظر محمد رشید رضا از ۱۸۹۸/۱۳۱۵ و *الحیة* زیر نظر محمد فرید وجدی از ۱۸۹۹/۱۳۱۶. نشریات منتشر شده در مصر تا پایان سده سیزدهم/ نوزدهم بیش از یکصد عنوان بوده است که بیشتر آن در سه دهه پایانی سده نوزدهم منتشر شدند (دی طرازی، ۴/ ۷۲).

انجمن‌ها

ناپلئون در ۱۷۸۹/۱۲۰۳ انجمن علمی مصر را برای بررسی و مطالعه تاریخ، اقتصاد و

1. Le Moniteur Ottoman

2. Le Moniteur Egyptien

طبیعت مصر، بنیان نهاد. این انجمن در چهار بخش فعالیت می‌کرد و نتایج مطالعات و تحقیقات خود را در چندین مجلد به نام دائرةالمعارف مصر^۱ به زبان فرانسوی منتشر و به ناپلئون سوم اهدا کرد. این اثر بعدها به عربی برگردانده شد و با عنوان وصف مصر منتشر گردید. مطالعات اعضای این انجمن بیش از دو سال طول نکشید و پس از آن منحل شد تا آن که در ۱۸۵۹/۱۲۷۵ در دوره سعید پاشا فعالیت خود را از سر گرفت. این انجمن اعضای زیادی داشت که هر کدام موظف بودند نتیجه تحقیقات خود را در اجلاسی سالانه ارائه کنند. این تحقیقات از طریق بولتن سالانه منتشر و در میان سیصد انجمن علمی در مناطق مختلف جهان توزیع می‌شد.

انجمن مصر نیز که متشکل از اعضای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی بود در ۱۸۳۵/۱۲۵۰ تأسیس شد (شیال، ۶۴). این انجمن قصد داشت آگاهی‌های مرتبط با مصر و افریقا را از جهانگردانی که به مصر سفر کرده‌اند، گردآوری و نیز کتاب‌هایی درباره شرق منتشر کند (همان، ۶۴-۶۵). در آغاز سال‌های هفتاد انجمن مذکور منحل شد و بسیاری از منابع خارجی آن در ۱۸۷۳/۱۲۸۹ به کتابخانه خدیویه منتقل گردید (نصیر، ۴۲۴). از ۱۸۴۲/۱۲۵۷ و در پی اختلاف نظر در میان اعضا انجمن مصر، انجمن ادبی مصر، از آن منشعب شد. هدف اصلی این انجمن، تأسیس کتابخانه و نشر منابع هیروگلیفی بود (شیال، ۶۵).

در دوره خدیو اسماعیل دو انجمن، فعالیت خود را آغاز کردند. انجمن خدیوی جغرافیا و انجمن مصرالفتاة. انجمن جغرافیا در ۱۸۷۵/۱۲۹۱ به ریاست گئورگ شوتورت آلمانی و به منظور انجام مطالعات متمرکز درباره جغرافیای مصر، تأسیس شد (رافعی، ۱/ ۲۴۷). انجمن مصرالفتاة نیز از ۱۸۷۶/۱۲۹۲ آغاز به کار کرد. سید جمال‌الدین، ادیب اسحق، سلیم نقاش، عبدالله‌الندیم و نقولا توما و شماری دیگر از روزنامه‌نگاران و اندیشمندان که بیشتر در حوزه سیاست قلم می‌زدند، عضو این انجمن بودند (زیدان، ۴/ ۱۰۲).

انجمن اعتدال در ۱۸۸۶/۱۳۰۳ در قاهره تشکیل شد و سه سال، فعال بود. یعقوب صروف، فارس نمر (مدیر مسئول نشریه *المقتطف*)، شبلی شمیل، اخنوخ فانوس، احمد زکی پاشا، حنفی ناصف، جبرائیل کحیل، جندی ابراهیم (مدیر مسئول نشریه *الوطن*)، شیخ علی یوسف (مدیر مسئول نشریه *المویجد*)، طحان (مدیر مسئول نشریه *الهلال*) از اعضای انجمن اعتدال بودند. گفته شده که هدف از تشکیل این انجمن، گسترش روح فضیلت و اخلاق و تمرین خطابه در جایگاه‌های اجتماعی بوده است (شیال، ۶۹).

انجمن خیریه اسلامی در ۱۸۷۹/۱۲۹۶ به اهتمام عبدالله ندیم و برای ترویج آموزش عمومی رایگان، در قاهره شکل گرفت. انجمن مقاصد خیریه (تأسیس ۱۸۷۸/۱۲۹۴)، انجمن کشاورزی (تأسیس ۱۸۸۰/۱۲۹۷)، انجمن پزشکی مصر (تأسیس ۱۸۸۸/۱۳۰۵)، انجمن اسلامی عروۃ الوثقی (تأسیس ۱۸۹۱/۱۳۰۸)، انجمن لغت (تأسیس ۱۳۰۹/۱۸۹۲) و انجمن ادبی ابتهاج (تأسیس ۱۸۹۵/۱۳۱۲) از دیگر انجمن‌هایی بودند که در این دوره ایجاد شد (زیدان، ۱۰۳/۴).

نشر کتاب

نشر کتاب در مصر سده سیزدهم/نوزدهم، عمدتاً توسط بخش‌های دولتی و خصوصی و انجمن‌های علمی صورت می‌گرفت. در نیمه اول این سده، بخش دولتی، کتاب‌هایی را به سفارش حاکم مصر یا نمایندگان وی یا دیوان جهادیه و دیوان مدارس، چاپ می‌کرد. چاپخانه‌های بولاق (مهم‌ترین چاپخانه دولتی در این دوره)، مدرسه پزشکی، مدرسه طب‌جیه، دیوان جهادیه، قلعه، مهندس‌خانه رأس‌النین، مدرسه‌الفرسان، دیوان مدارس و مدرسه مبتدیان، مهم‌ترین چاپخانه‌های دولتی در نیمه نخست سده سیزدهم/نوزدهم بودند. ناشران خصوصی، کتاب‌های خود در این مدت، در چاپخانه‌های دولتی چاپ می‌کردند. دیوان مدارس، واسطه بین ناشران و چاپخانه‌ها بود (نصیر، ۴۰۷). البته معدودی از ناشران هم چاپخانه‌های سنگی داشتند. انجمن مصر و انجمن ادبی مصر از جمله انجمن‌هایی بودند که در نیمه اول سیزدهم/سده نوزدهم شمار محدودی، کتاب چاپ کردند. از مجموع ۹۶۷ کتاب چاپ شده در نیمه اول سیزدهم/سده نوزدهم، ۸۷۱ کتاب (معادل ۹۰٪) را ناشران دولتی و ۵۹ کتاب (معادل ۷٪) را ناشران خصوصی و انجمن‌ها چاپ کردند.

در نیمه دوم سده سیزدهم/نوزدهم، ناشران تنوع بیشتری داشتند و علاوه بر دولت، شرکت‌ها و انجمن‌های علمی و ادبی، نشریات و ناشران خصوصی نیز به کار چاپ پرداختند. در این دوره، چاپخانه‌های دیگری چون مدارس مَلِکی، ازهریه، ارکان حرب، وزارت داخله، وزارت اوقاف، مدرسه عملیات، و وزارت دارایی به مجموعه چاپخانه‌های دولتی سابق افزوده شدند که در مجموع تعداد ۵۴۱۹ عنوان کتاب (معادل ۵۹٪ آثار چاپ شده) چاپ کردند.

تعداد چاپخانه‌های خصوصی در این دوره، بالغ بر ۶۷ چاپخانه بود که بیشتر آن‌ها در سه دهه پایانی این سده تأسیس شدند و بالغ بر ۲۶۶۴ عنوان کتاب (معادل ۲۸٪ کل کتاب‌های چاپ شده در نیمه دوم سده سیزدهم/نوزدهم) را به خود اختصاص دادند. از

این رو جریان نشر کتاب در نیمه دوم سده سیزدهم/نوزدهم سرعت گرفت و حدود ۹۵۳۸ عنوان کتاب چاپ شد که معادل ۹۱/۶۶٪ از تمام کتاب‌های چاپ شد در این سده است. این امر نتیجه سیاست‌های خدیو اسماعیل، فعالیت انجمن‌های علمی، ادبی و سیاسی، تسهیلاتی چون چاپخانه‌ها و کاغذ، افزایش مدارس و گسترش آموزش عمومی و تحولاتی چون حضور انگلستان و قیام عربی پاشا، افزایش میزان باسوادی، افتتاح کانال سوئز و افزایش شمار اتباع خارجی در مصر، بود.

با محاسبه شمارگان هر عنوان کتاب، مجموع کتاب‌های چاپ شده در مصر سده سیزدهم/نوزدهم، حدود ۷/۷۹۵/۰۰۰ نسخه بود که در همه حوزه‌های درسی، بزرگسالان، کودکان و اداری، رشدی بیش از ۱۰۰٪ داشت و تنها در چاپ آثار نظامی، ۲۰٪ رشد کرد (همان، ۹۸). حدود ۵۶/۴٪ از کتاب چاپ شده درسی، ۳۰/۵٪ ویژه بزرگسالان، ۸/۱٪ آثار اداری، ۴/۳٪ کتاب‌های نظامی و ۰/۷٪ کتاب‌های ویژه کودکان، بود (همان، ۱۴۰). ۸۸۷۴ کتاب، معادل ۸۵/۲۹٪ به زبان عربی؛ ۴۸۰ کتاب، معادل ۴/۶۱٪ به زبان ترکی و ۵۱ کتاب، معادل ۰/۴۹٪ به زبان فارسی چاپ شدند (همان، ۵۱). گلستان سعدی از کتاب‌هایی بود که در این سده به عربی برگردانده شد.

اهتمام به علوم تجربی

ابراهیم فرزند ارشد محمدعلی پاشا و جانشین او، سیاست‌های مذهبی تسامح‌آمیزی در شام اتخاذ کرد. او در ۱۸۳۳/۱۲۴۸ بر ترکان عثمانی پیروز و شام را فتح کرد. سیاست‌های وی موجب حضور مبشران و هیئت‌های تبشیری مسیحی فرانسوی و آمریکایی شد (انطونیوس، ۹۷). حضور ژزوئیت‌های کاتولیک و پروتستان‌های انگلوامریکن در این منطقه، موجب رقابت فرهنگی و علمی میان آن‌ها شد و هر گروه کوشید با ارائه خدمات و امکانات بهتر، طرفداران بیشتری جلب کند. آمریکایی‌ها با هزینه‌های هنگفتی در لبنان، توانستند زمینه رشد علوم جدید را در میان جوانان فراهم آورند (شیخو، ۴/۲). دانشگاه آمریکایی بیروت در همین فضا و در ۱۸۶۶/۱۲۸۲ تأسیس شد و با چاپخانه مشهور خود، نهضتی علمی در شام به راه انداخت. جرجی زیدان، شبلی شمیل، یعقوب صروف و فارس نمر برخی از دانش‌آموختگان این دانشگاه بودند. در مقابل کاتولیک‌های ژزوئیت که از سوی فرانسه حمایت می‌شدند، دانشگاه کاتولیک را در ۱۸۷۵/۱۲۹۱ تأسیس کردند. رقابت این دو مؤسسه در توجه به آموزش علوم و فنون

نوین موجب تسریع و رونق نهضت علمی گردید. برخی از روشنفکران شامی، به مصر مهاجرت کردند و فعالیت‌های خود را در آنجا ادامه دادند. درگیری‌های طایفه‌ای مسیحیان در شام که از سوی انگلستان و فرانسه هدایت می‌شد، از عوامل این مهاجرت‌ها بود (عکره، ۱۲). آغاز سیاست‌های سخت‌گیرانه دینی علیه مسیحیان شام، استبداد حکومت عثمانی (عبداللطیف، ۹۲) و رکود اقتصادی در شام (دقاق، ۱۴) از دیگر عوامل مهاجرت به مصر بود. این مهاجران برخی از مؤسسه‌های علمی یا نشریات را نیز با خود به مصر بردند. نشریه‌های *المقتطف* و *الهلال* و *الجامعه* از این جمله بودند (حورانی، ۲۹۴). فعالیت این نشریات موجب رونق و شکوفایی فضای علمی مصر گردید. برخی از مهاجران شامی نیز خود نشریاتی جدید راه‌اندازی کردند. نشریات مصر از آغاز سده سیزدهم/نوزدهم تا ۱۹۲۵/۱۳۴۳ بیش از ۱۳۹۸ عنوان بوده است (دی طرازی، ۴/۷۲).

نتیجه

تلاش محمدعلی پاشا برای تبدیل مصر به قدرتی منطقه‌ای، نیازمند نوسازی بنیان‌های اقتصادی، دیوانی و نظامی این کشور بود؛ او دریافته بود که انتقال دانش از مراکز علمی جهان به مصر، رمز موفقیت مصر است. وی که در آغاز به ایتالیا گرایش داشت، پس از چندی مناسبات خود را با فرانسه افزایش داد. او کوشید با جذب و انتقال برخی از استادان اروپایی به مصر، به هدف خود برسد، اما به تدریج دریافت که این روش نه کارآمد است و نه کافی و باید نظام آموزشی مصر را متناسب با شیوه‌های جدید آموزشی و دستاوردهای جدید علمی، بازسازی کرد. محمدعلی پاشا در آغاز چند صد نفر را برای فراگیری دانش‌ها و فنون مختلف به اروپا فرستاد و سپس این دانش‌آموختگان را برای ترجمه متون علمی و آموزشی مورد نیاز مدارس جدید، به کار گرفت. در دوره حکومت محمدعلی پاشا، مدارس زیادی در مصر تأسیس شد. به همت وی انجمن قلم ترجمه برای سازمان‌دهی فعالیت مترجمان دایر گردید. اما پس از توافقنامه لندن در ۱۸۴۰/۱۲۵۵، مصر ناچار شد فعالیت‌های نظامی و آموزشی خود را کاهش دهد و اندکی پس از آن محمدعلی پاشا از دنیا رفت. در دوره پانزده ساله جانشینان وی، سعید و عباس، بیشتر مدارس جدید تعطیل و شماری از مدیران آن‌ها تبعید یا توبیخ شدند و جریان آموزش رو به افول نهاد. اما در دوره شانزده ساله خدیو اسماعیل، سیاست‌های آموزشی محمدعلی پاشا پی گرفته شد و بسیاری از مدارس بازگشایی شدند. البته خدیو

اسماعیل به ترجمه یا نوسازی نظامی توجه کمتری داشت و بر افزایش سطح سواد عمومی مردم تأکید بیشتری داشت. به دستور وی، در مواد آموزشی مکتب‌خانه‌ها برای ارتقا سطح آن‌ها به دبستان، تغییراتی داده شد. همچنین در دوره وی نخستین مدارس دخترانه در مصر برپا شد. مدرسه راهبه‌های «شبان خوب» نخستین مدرسه خارجی بود که در دوره محمدعلی پاشا دایر گردید. پس از وی مدارس دیگری از سوی «آبای سرزمین مقدس»، فرقه «عازاریان»، راهبه‌های «فرانسیسکن» فعالیت خود را در مصر آغاز کردند. همه این مدارس از آن کاتولیک‌ها بود. از سوی آمریکا، انگلستان و اسکاتلند نیز مدارسی مبتنی بر آیین پروتستان، تأسیس گردید. مدرسه ایتالیایی اسکندریه، تنها مدرسه‌ای بود که صبغه دینی نداشت.

دوره محمدعلی پاشا، ترجمه آثار علمی به عربی و ترکی نیز رواج زیادی یافت. در این سده ۶۶۷ کتاب به عربی و ۱۱۳ کتاب به ترکی برگردانده شده که حدود نیمی از آن‌ها کتاب‌های درسی بود. تعداد زیادی چاپخانه دولتی و خصوصی نیز در این دوره راه‌اندازی شد و شمار زیادی از آثار تألیفی و ترجمه‌ای در آن‌ها به چاپ رسید.

دوره خدیو اسماعیل به لحاظ تکثر و تنوع نشریات نیز قابل توجه است. بیش از یکصد نشریه در سه دهه پایانی سده سیزدهم/نوزدهم در مصر، منتشر شد. نشریه‌های منتشر شده نیمه اول این سده عمدتاً دولتی بودند و معدودی از آن‌ها جنبه علمی داشتند. نخستین انجمن‌های علمی نیز در سده سیزدهم/نوزدهم تأسیس شدند. فعالیت و رقابت نهادهای آموزشی فرانسوی و آمریکایی در شام منجر به پیدایش حرکتی علمی در آن مناطق گردید، لیکن گسترش درگیری‌های فرقه‌ای موجب مهاجرت بسیاری از تحصیل‌کردگان شامی به مصر و رونق علمی این کشور، شد.

در دوره محمد توفیق، مصر با بحران‌های مالی شدید برجای مانده از دوره خدیو اسماعیل، دست و پنجه نرم می‌کرد. این کشور در پی افتتاح کانال سوئز، حمله نظامی به سودان، ساخت راه‌آهن و مؤسس‌هایی چون موزه و اوپرا مبالغ کلانی مقروض شد و در ۱۸۸۲/۱۲۹۹ به اشغال انگلستان درآمد. سیاست‌های آموزشی انگلستان، اوضاع آموزشی مصر را بسیار نابسامان کرد، به گونه‌ای که مصریان ناچار بودند، به حداقل دانش برای رتق و فتق امور دفتری و اداری بسنده کنند. این وضع در سال‌های نخستین سده بیستم نیز ادامه یافت تا آن‌که در ۱۹۱۴/۱۳۳۲ مصر به پادشاهی تحت الحمایه انگلستان تبدیل شد و از آن پس تا ۱۹۵۲/۱۳۷۱ و شورش افسران آزاد، این وضع ادامه

یافت. از این رو نیمه اول سده سیزدهم/ نوزدهم دوره طلایی توجه به آموزش‌های نوین در مصر بود، اما بحران‌های مالی نیمه دوم قرن سیزدهم/ نوزدهم و نفوذ قدرت‌های خارجی، مانع تداوم رشد و شکوفایی آموزشی مصر شد.

منابع

- ابولیل، محمود نجیب، *الصحافة الفرنسية في مصر*، قاهره: بی‌نا، ۱۹۵۱م.
- انطونیوس، جورج، *يقظة العرب*، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م.
- ایوبی، الیاس، *تاریخ مصر فی عهد الخدیو اسماعیل باشا*، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۹۹۶م.
- تاجر، جاک، *حرکت الترجمة خلال القرن التاسع عشر*، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۵۴م.
- حورانی، آلبرت، *الفکر العربی فی عصر النهضة*، بیروت: دارالنهار للنشر، ۱۹۷۷م.
- دسوقی، عمر، *فی الادب الحدیث*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۶۸م.
- دقاق، عمر، *عنادل المهاجرة*، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العربی، ۱۹۷۲م.
- دی طرازی، فلیب، *تاریخ الصحافة العربیة*، بیروت: المطبعة الادبیة، ۱۹۷۲م.
- زیدان، جرجی، *تاریخ آداب اللغة العربیة*، قاهره: مطبعة الهلال، ۱۹۱۴م.
- سامی، امین، *تقویم النيل*، قاهره: دارالکتب المصریة، ۱۹۸۳م.
- سهم، سامی سلیمان محمد، *التعلیم و التعلیم الاجتماعی فی مصر فی قرن التاسع عشر*، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، ۲۰۰۰م.
- شحادة، محمد کمال، *تاریخ التعلیم الطبی فی البلاد العربیة*، حلب: جامعة حلب، ۲۰۰۰م.
- شکری، محمد فؤاد، *مصر و السودان*، مصر: دارالمعارف، ۱۹۶۳م.
- شنودة، امیل فهمی حنا، *تاریخ التعلیم الصناعی حتی ثورة ۲۳ يوليو سنة ۱۹۵۲*، قاهره: دارالکتب العربی للطباعة و النشر، ۱۹۶۷م.
- شیال، جمال الدین، *تاریخ الترجمة و الحركة الثقافية فی عصر محمدعلی*، قاهره: دار الفکر العربی، ۱۹۵۱م.
- شیخو، لويس، *الاداب العربیة فی القرن التاسع عشر*، بیروت: مطبعة الابهاء الیسوعیین، ۱۹۲۶م.
- ظاهر، مسعود، *النهضة العربیة و النهضة اليابانية تشابه المقدمات و اختلاف النتائج*، کویت: عالم المعرفة، ۱۹۹۹م.
- عبدالکریم، احمد عزت، *تاریخ التعلیم فی مصر فی عصر محمدعلی*، قاهره: مکتبه النهضة المصریة، ۱۹۳۸م.
- همو، *تاریخ التعلیم فی مصر من نهائة حکم محمدعلی الی بداية حکم توفیق*، قاهره: مطبعة النصر، ۱۹۴۵م.

- عبداللطيف، كمال، *سلامه موسى و اشكالية النهضة*، بيروت: دارالفارابي، ١٩٨٢م.
- عبده، ابراهيم، *تاريخ الطباعة و الصحافة في مصر خلال الحملة الفرنسيه*، قاهره: بي نا، ١٩٤٩م.
- عكرة، آدونيس، *مقدمة كتاب ابن رشد و فلسفته*، بيروت: دارالطليعه، ١٩٨١م.
- عمّار، محمد، *رفاعه الطهطاوى*، بيروت: دار الوحد.
- فقى، حسن، *تاريخ الثقافى للتعليم فى مصر*، قاهره: دار المعارف، ١٩٧٤م.
- مبارك، على باشا، *الخطط التوفيقية*، قاهره: المطبع الاميرى، ١٣٠١ق.
- متولى، فؤاد بسيونى، *مجمع تاريخ التعليم: دراسة لتاريخ التعليم العام و الفنى منذ بداية القرن التاسع عشر و حتى نهاية القرن العشرين*، اسكندريه: دار المعرفة الجامعية، ١٩٨٩م.
- ميتشل، ثيموتى، *استعمار مصر*، ترجمه بشير السباعى و ديگران، قاهره: سينا للنشر، ١٩٩٠م.
- نصير، عايد ابراهيم، *حركة نشر الكتب فى مصر فى القرن التاسع*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٤م.
- وزارة التربية و التعليم، *موسوعة مصر الحديثة*، تحرير سمير سرحان، قاهره: المجموعة الثقافية، ١٩٩٦م.

